



بررسی نقش والدین در آموزش مجازی در دوران کرونا با تکیه بر راهبردهای یادگیری خودتنظیمی

صدیقه کریمی فرد^۱

۱-دانشجو کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید چمران اهواز

چکیده

بعد از همه گیری ویروس کرونا در سراسر جهان، کشورهای مختلف به منظور جلوگیری از انتشار این ویروس دست به تعطیلی مراکز و موسسات مختلف زدند. در این میان آموزش نیز به صورت مجازی و به دور از فضای مدرسه و معلمان و در خانه پیگیری می شود. این دور بودن از فضای مدرسه و معلمان مشکلات آموزشی را برای دانش آموزان فراهم کرده است. در آموزش مجازی بر خلاف آموزش حضوری که معلمان نقش اساسی را در آموزش ایفا می کردند، والدین نقش مهم و پررنگی به خود گرفته اند. بنا بر آنچه بیان شد هدف مطالعه حاضر بررسی نقش والدین در آموزش مجازی در دوران کرونا با تکیه بر راهبردهای یادگیری خودتنظیمی چرا که این راهبردها منجر به بهبود یادگیری دانش آموزان می شود و همچنین قابل یادگیری و آموزش می باشند. جمع آوری منابع با استفاده از موتورهای SID، Magiran و Irandoc، Sciencedirect، Google Scholar، PubMed، مرتبط با والدین، کرونا، یادگیری خودتنظیمی و آموزش مجازی بود، برگزیده شدند و یافته های متون سپس مورد بررسی قرار گرفتند. ارزیابی حاصل از منابع به دست آمده نشان داد که والدین باید بتوانند به عنوان همیاری برای معلمان در محیط خانه، شرایط و فضایی نظارتی و حمایتی نسبت به دانش آموزان در امر آموزش فراهم کنند و سعی در آموزش و یادگیری راهبردهای یادگیری خودتنظیمی، جهت بهبود آموزش و یادگیری فرزندان خود نمایند.

واژگان کلیدی: والدین، آموزش مجازی، راهبرد یادگیری خودتنظیمی، کرونا



مقدمه

همه گیری جهانی ویروس جدید کرونا (کووید 19) به عنوان یک سندرم شدید حاد تنفسی، که از دسامبر 2019 پدیدار شد، به عنوان تهدیدی برای سلامتی و زندگی میلیونها نفر در سراسر دنیا تلقی می شود (گارفین و همکاران، 2020).

بیماری کووید 19، یک آلودگی توام با علائم تنفسی می باشد که تصور می شود به عنوان یک ویروس قابل انتقال بین انسان و حیوان پدیدار شده و جهش یافته و یا در غیر این صورت، به گونه ای سازگاری یافته که امکان بیماری زایی در میان انسان را فراهم کند (Ghotbi et al., 2020). با همه گیر شدن این بیماری، دولتها و سیستم های بهداشت عمومی، وضعیت اضطراری اعلام کردند و اقدامات گسترده ای برای پیشگیری از ابتلا به این بیماری انجام داده اند. این بیماری سبک زندگی میلیونها نفر را در سراسر جهان تغییر داده است. سرعت انتقال این بیماری و مرگ و میر ناشی از آن منجر به هراس مردم از ابتلا به آن شده است (Husseini - Abu Maali al, 2020).

اگر چه شیوع کووید 19 بیشتر سیستم های بهداشتی و درمانی کشورهای مختلف را با چالش روبرو کرده است اما سایر حوزه ها از جمله حوزه تعلیم و تربیت را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است. با اوج گیری کووید 19 پروتکل های بهداشتی بر رعایت فاصله گذاری اجتماعی تأکید کردند و در این راستا در بسیاری از کشورها آموزش حضوری در مدارس و دانشگاه ها تعطیل اعلام شد (حاجی و همکاران، 1400).

وضعیت جدید ناشی از شیوع کرونا شرایط بی سابقه ای بر سیستم آموزشی کشورها تحمیل کرده، در حالی که تا قبل از آن در بیشتر مواقع، معلمان در کلاس خود حاضر می شدند و با استفاده از روش های کلاسیک و به طور خاص روش سخنرانی به امر تدریس می پرداختند ولی در حال حاضر با وضعیتی جدید روبرو شده اند به طوری که ادامه تحصیل فقط با استفاده از ابزارهای ارتباطی از راه دور ممکن است و معلمان مجبور هستند به تدریس آنلاین رو بیاورند و سبک های تدریس خود را متناسب با این فضا تغییر بدهند (همان).

در دنیای امروز که اطلاعات روز به روز نو شده و سرعت تولید آن به چشم بر هم زدنی کاهش یافته است، انتقال اطلاعات از فردی به فرد دیگر به عنوان هدف آموزش کاری عبث و بیهوده است؛ بنابراین هدف آموزش به آموزش بازیابی این دانسته ها به فراخور حال هر فرد تغییر یافته است آموزش مجازی نیز به عنوان شیوه نسبتاً نوظهور به طور جدی این هدف را دنبال می کند (حمزه لو و رحیمی، 1399).

شواهد نشان میدهد آموزش غیر حضوری در آغاز در واقع با آموزش مکاتبه ای در اواسط دهه 1800 میلادی آغاز شده است. هم اکنون نیز در نقاط مختلف دنیا از جمله ایران از این شیوه آموزش برای تحصیل و یادگیری استفاده میشود. همان سابقه بهره گیری از آموزش غیر حضوری مبتنی بر فناوری به اوایل دهه 1800 میلادی باز می گردد. ابزارهایی مانند اسلاید



و تصاویر متحرک با تولید و توسعه وسایل سمعی بصری به عنوان ابزار کمک آموزشی به کلاس درس راه یافت و ظهور صنعت تلویزیون نقطه عطفی در روند تکمیلی آموزش از راه دور پدید آورد (همان).

در شرایط حاضر که کشور های مختلف درگیر همه گیری ویروس کرونا شده اند و آموزش حضوری نیز جای خود را به آموزش مجازی داده است به غیر از معلم که در آموزش حضوری نقش و عامل مهم بوده است، در آموزش غیر حضوری عوامل دیگر از جمله والدین نقشی اساسی و مهم به خود گرفته اند. این آموزش های غیر حضوری و مجازی شرایط بهتری را برای دانش آموزانی که وابستگی کمتر به معلم دارند و به نحوی خودخوان و خود کنترل گر هستند، فراهم کرده است. به همین رو در پژوهش حاضر بنا داریم تا نقش والدین در آموزش مجازی با تکیه بر نظریه یادگیری خودتنظیمی می باشد.

روش تحقیق

این مطالعه از نوع مطالعات ثانویه است و روش اجرای آن مرور بهترین شواهد است. منابع مورد استفاده شامل مقالات، کتب و سایتهای معتبر می باشند. در انتخاب متون از منابع انگلیسی نیز استفاده شد. جمع آوری منابع با استفاده از موتورهای Irandoc، Magiran، SID، PubMed، Google Scholar، Scencedirect صورت گرفت. از میان مقالات مرتبط ترین مقالات و متونی که مرتبط با خانواده، کرونا و آموزش مجازی، یادگیری خود تنظیمی، والدین و آموزش مجازی بود، برگزیده شدند و یافته های متون سپس مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته ها

یکی از مهمترین موضوع های مرتبط با یادگیری، مفهوم خود تنظیمی است که به وسیله ی متخصصان به شکل های متفاوتی تعریف شده است. (زیمرن، ۱۹۸۶، ۱۹۸۹، به نقل از دهقانی، ۱۳۷۹) - در تعریف یادگیری خودتنظیمی چنین می گوید: یادگیری خود تنظیمی بدین مفهوم است که دانش آموزان می توانند میزانی از خود تنظیمی را به طور فراشناختی، انگیزشی، و رفتاری یا به طور مشترک در فرایندهای یادگیری آنان فعال است را شرح دهند (قمرانی و جعفری، ۱۳۸۳). طبق نظریه یادگیری خودتنظیمی، فرآیندهای فراشناختی و تلاش و تدبیر دانش آموزان، خودتنظیمی را تشکیل می دهد. منظور از خودتنظیمی این است که دانش آموزان مهارت هایی برای طراحی کنترل و هدایت فرآیند یادگیری خود دارند و تمایل دارند یاد بگیرند، کل فرآیند یادگیری را ارزیابی کنند و به آن بیندیشند. راهبردهای شناختی نیز به چاره اندیشی هایی که دانش آموز برای یادگیری، به خاطر سپاری، یاد آوری و درک مطالب از آنها استفاده می کنند، اشاره دارد (کجباف و همکاران، ۱۳۸۲).

زیمرن (۱۹۸۶)، به عنوان یکی از نظریه پردازان تئوری «شناختی- اجتماعی»، راهبردهای یادگیری خودتنظیمی را نوعی یادگیری تعریف کرد که در آن فراگیران به جای آن که برای کسب مهارت و دانش بر معلمان، والدین و دیگر عوامل



آموزشی تکیه کنند، شخصا کوشش های خود را شروع و هدایت می کنند. به عبارت دیگر، وی خودتنظیمی در یادگیری را به مشارکت فعال یادگیرنده از نظر رفتاری، انگیزشی، شناختی و فراشناختی در فرایند یادگیری جهت پیشینه نمودن یادگیری اطلاق می کند. همچنین، بر اساس نظر شانک (۱۹۹۱)، «راهبردهای یادگیری خودتنظیمی» فقط یادگیری فراگیران را تقویت نمی کنند، بلکه فرصتهایی را برای آنها فراهم می کنند تا به طور فعال فرایندهایی مانند تنظیم اهداف، خود کنترلی، خود ارزشیابی و خود انگیزشی را مدیریت کنند.

از دیگر نظریه های مطرح در زمینه راهبردهای یادگیری خودتنظیمی، «نظریه یادگیری خودتنظیمی پینتریچ و دی گروت، ۱۹۹۰» می باشد، که چهار چوب اصلی این نظریه بر این استوار است که چگونه فراگیران با استفاده از باورهای شناختی، فراشناختی، انگیزشی و رفتاری، یادگیری خود را سازماندهی می کنند (عابدی و همکاران، ۱۳۹۴). پینتریچ و دی گروت (۱۹۹۰)، در مدل یادگیری خودنظم بخش خود، بر نقش متقابل متغیرهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی (شناختی و فراشناختی) در یادگیری و عملکرد تحصیلی یادگیرندگان تاکید کرده اند. بر اساس این الگو، خودکارآمدی، ارزش گذاری درونی و اضطراب امتحان به عنوان "باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری شناختی و فراشناختی"، به عنوان "راهبردهای یادگیری خودتنظیمی"، در نظر گرفته می شوند.

در ارتباط با نظریه های موجود در زمینه یادگیری خودتنظیمی می توان به نظریه های شناختی، نظریه های شناختی-اجتماعی و نظریه ارزش-انتظار اشاره نمود.

نظریه های شناختی ضمن تأکید بر نقش "خود" به عنوان هسته یادگیری خودتنظیمی، بالندگی و پرورش آن را در سرلوحه اهداف خود قرار می دهند. بی شک مفهوم "خود" به عنوان مرکز ثقل مدل یادگیری خودتنظیمی مطرح می باشد. توانمند ساختن خود تحصیلی دانش آموز از حیث شناختی روند آموزش را به گونه ای مناسب جاری می سازد. آنچه در مفهوم خود حایز اهمیت است، آن است که سیستم خود به دلیل ویژگی هایی از قبیل تمامیت، پیوستگی، خودمختاری و خودتنظیمی به عنوان مآخذ رشد راهبردهای یادگیری خودتنظیمی مطرح می باشد (قمرانی و جعفری، ۱۳۸۳).

نظریه های شناختی-اجتماعی به نقش محیط بیرونی در پرورش خودتنظیمی اشاره دارند و بر این باورند که خودتنظیمی شامل مواردی چون خودنگری، خودارزیابی و خود واکنشی می باشد. خودنگری، اشاره به پاسخ های دانش آموزان که شامل تنظیم کنندگی نظامدار عملکرد آنهاست. خودنگری فردی می تواند اطلاعاتی را در مورد چگونگی پیشرفت شخص به سوی هدفهای فردی فراهم کند (همان).

خود ارزیابی: به پاسخی از دانش آموزان که شامل مقایسه منظم عملکرد آنها با یک معیار با هدف می شود، اشاره دارد. این معیارها یا هدف ها می توانند منابع متنوعی از قبیل هنجارهای اجتماعی، سطوح عملکرد یا هدف های تحصیلی را شامل شوند (همان).

خود واکنشی: سومین طبقه از واکنش های خودتنظیمی دانش آموزان شامل خود واکنشی به عملکرد فردی می باشد. البته شایان ذکر است که همه ی شکل های خود واکنشی ضرورتاً یادگیری خودتنظیمی را افزایش نخواهد داد. راهبردهای خود



واکنشی شامل طبقات سه گانه زیر می باشند :

الف) خود واکنشی رفتاری که دانش آموزان به وسیله آن کامل بودن پاسخ های یادگیری ویژه ی خودشان را جست و جو می کنند. مثال هایی از خود واکنشی رفتاری شامل ستایش یا انتقاد از خود در هنگام عملکرد بر تکلیف می باشد.
 ب) خود واکنشی شخصی: که به وسیله آن دانش آموزان افزایش فرایندهای شخصی خودشان را در طول یادگیری جست و جو می کنند و راهبردهایی نظیر تعیین مجدد هدف ها نزدیک، تمرین کردن و یا حفظ کردن می باشند.
 ج) خود واکنشی محیطی: که به وسیله آن یادگیرنده اصلاح کردن محیط را جست و جو می کنند. در این ارتباط نیز می توان به ساخت یافتگی محیط فردی و درخواست کمک از دیگر افراد در هنگام انجام تکلیف های دشوار اشاره نمود (همان).

نظریه ارزش انتظار، این نظریه توسط پیتریچ و دی گروت (۱۹۹۰)، ارایه شده است. این پژوهشگران در تکوین نظریه خود به این نکته اشاره داشته اند که در یادگیری خود تنظیمی تنها مهارت های شناختی و فراشناختی کفایت نمی کند و برای سوق یافتن دانش آموز به سوی یادگیری و پیشرفت ضروری است تا دانش آموز در برای استفاده از راهبردها بر انگیزه شود و به همین لحاظ یادگیری خود تنظیمی را هم شامل عوامل شناختی و هم در بر گیرنده ی عوامل انگیزشی می دانند. آنها در تبیین انگیزش از یک الگوی ارزش - انتظار بهره گرفته اند. بر اساس این الگو در یادگیری خود تنظیمی مؤلفه های انگیزشی عبارت اند از: انتظار ها با باورهای دانش آموز پیرامون توانایی های خود در انجام یک تکلیف، مؤلفه ی ارزش که در بر گیرنده ی باورهای دانش آموز در باره ی اهمیت و جذابیت یک تکلیف است، احساسات که شامل واکنش های عاطفی دانش آموز به یک تکلیف است (همان).

فن آوری همانا کاربرد دانش، ابزارها و مهارت ها برای حل مشکلات عملی و گسترش توانایی های انسان است. به عبارتی دیگر، فناوری کاربرد دانش و ابداع وسایل و سیستم هایی برای ارضای نیازهای انسان می باشد. در واقع فناوری، قدرت آموزش و یادگیری ندارد، بلکه سیستمی نظام مند برای انتقال دانش و یادگیری است. با تأثیر فناوری اطلاعات و وجود رایانه ها، امکان ارتباط از طریق شبکه های ارتباطی مجازی میسر شده است. اشتراک دانش به کمک فناوری اطلاعات و ارتباطات می تواند، ثروت جمعی را برای ملت ها در قالب آموزش بهتر، سلامت، احساس اجتماعی زیرساخت ها و بهبود بیشتر کیفیت زندگی را ایجاد کند (یوسفی سعیدآبادی، ۱۳۹۷).

در ماه های اخیر به دلیل شیوع بیماری کرونا مدارس کشور تعطیل و فرآیند تعلیم و تربیت رسمی به داخل خانه ها منتقل شد. آموزش و پرورش اعلام کرد اگر چه امکان بازگشایی مدارس وجود ندارد و سلامت کودکان و نوجوانان در اولویت است، اما آموزش تعطیل بردار نیست. بنابراین در این وضعیت، سازوکارهای متنوعی فراهم شد تا دانش آموزان در پایه های مختلف تحصیلی بتوانند با بهره گیری از فضای مجازی به یادگیری دروس بپردازند. در این میان اما ضرورت همکاری اولیای خانه و مدرسه بیش از پیش نمایان شد (عباسپور، ۱۳۹۹).

در این دوران آنچه اتفاق افتاد این بود که دانش آموزان می بایستی تحت مدیریت و نظارت والدین و با حمایت معلمان به



تحصیل پردازند. به عبارت دیگر قبل از این انتظار می رفت که مدیریت و نظارت بر تحصیل دانش آموزان با اولیای مدرسه باشد و خانواده ها در این مسیر از مدرسه پشتیبانی نمایند اما در این دوران جابه جایی نقش ها باعث شد که روابط بین خانه و مدرسه نیز دچار تغییرات اساسی شود. پیش از این فراهم کردن امکانات و شرایط یادگیری بر عهده مدرسه بود، نظم و انضباط توسط مدرسه برقرار می شد اما اکنون این پدر و مادرها هستند که باید بخشی از وظایف مدرسه را انجام دهند(همان).

در آموزش غیر حضوری نقش والدین به خصوص برای دانش آموزان ابتدایی بسیار پررنگ و با اهمیت خواهد بود چرا که کودکان در این مقطع نیازمند همیاری والدین جهت استفاده درست از ابزار مناسب آموزش مجازی دارند و همچنین به علت عدم حضور معلم در کنار دانش آموزان نقش نظارتی و حمایتی والدین نیز مورد توجه خواهد بود. در این میان والدین باید به عنوان همیار معلم شرایطی را فراهم کنند تا دانش آموزان عدم حضور در مدرسه و ارتباط با معلم خود را جبران کنند و به بالا بردن کیفیت یادگیری فرزند خود کمک کنند(حسینی، ۱۳۹۹).

در آموزش مجازی دوره ی ابتدایی، خانواده نقشی کلیدی دارد. ارتباط و تعامل مداوم و مؤثر آموزگار با اولیا، در اجرای مطلوب برنامه ی درسی نقش مهمی دارد(وحدانی، ۱۳۹۹).

یکی از بهترین شیوه های بالا بردن سطح یادگیری در آموزش از راه دور نزدیک کردن فضای خانه به فضای کلاس است که می توان با قرار دادن میز تحریر کوچکی روبه رو تلویزیون یا گوشه ای از اتاق که قرار است دانش آموز با تلفن همراه در آنجا به انجام تکالیف پردازد، اتفاق بیفتد

به همین جهت به والدین پیشنهاد می شود اصول آموزش راهبردهای یادگیری خودتنظیمی را در آموزش مجازی فرزندان خود مورد توجه قرار دهند که شامل :

۱- آماده کردن : آموزش باید به گونه ای باشد که یادگیرندگان را به آماده نمودن محیط های یادگیری مناسب تشویق و ترغیب نماید.

۲-سازمان بندی : در آموزش باید مواد آموزشی متفاوتی را که یادگیری و استفاده یادگیرندگان از راهبردهای شناختی و فراشناختی را تسهیل می نماید، وارد ساخت.

۳-نظارت : آموزش باید به یادگیرنده کمک کند تا در یابد چه موقع و چطور در امر یادگیری درگیر شود. این امر مستلزم افزایش دامنه ی آگاهی های شناختی می باشد.

ارزشیابی : آموزش باید یادگیرندگان را توانمند سازد تا تعیین کنند چه موقع یادگیری آنها مناسب و چه موقع نامناسب است. به واسطه ی این اصل از هدررفتن وقت و انرژی دانش آموز جلوگیری به عمل می آید، مضاف بر این که درجه موفقیت وی را افزایش می دهد (قمرانی و جعفری، ۱۳۸۳).



بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش والدین در آموزش مجازی در دوران کرونا با تکیه بر راهبردهای خودتنظیمی بوده است. نتایج پژوهش بیان می‌دارد که با توجه به تعطیلی بسیاری از مراکز و موسسات در کشورهای مختلف به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا آموزش‌های حضوری جای خود را به آموزش‌های مجازی داده‌اند که در اینگونه آموزش‌ها به خصوص در دوره ابتدایی نقش والدین و محیط خانه دارای اهمیت می‌باشد. در این دوران بر خلاف آموزش‌های حضوری که مسئولیت عمده آموزش و یادگیری بر عهده معلم و در کلاس درس بود، خانه و والدین با نقش حمایتی و نظارتی خود، نقش پررنگی به خود گرفته‌اند. پس والدین باید شرایطی را فراهم کنند تا امر یادگیری و آموزش بهتر اتفاق بیفتد. نتایج این پژوهش همسو با یوسفی و همکاران (۱۳۹۷) است که بیان می‌دارند گروهایی که از آموزش مجازی برخوردار بودند از سبک‌های یادگیری خود تنظیم بهره بیشتری برده‌اند. همچنین علی پور و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود بیان می‌دارند که ه نظر میرسد که یادگیری ترکیبی با داشتن مزیت‌های هر دو رویکرد آموزش (سنتی و الکترونیکی) یک رویکرد مؤثر برای افزایش اثربخشی یادگیری، سهولت دسترسی به مواد آموزشی باشد. همچنین به دلیل ارائه فرصت‌های مختلف بهر منظور یادگیری، موجب آن میشود که در کنار افزایش جذابیت آموزش، به تفاوت‌های فردی فراگیران نیز به طور مناسبی توجه شود، زیرا همه افراد به یک شیوه یاد نمی‌گیرند و به همین دلیل استفاده از روش‌های مختلف برای آموزش ضروری به نظر میرسد.

به همین منظور و در راستای پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود والدین با همدلی و همراهی معلمان و داشتن تسلط بر استفاده از ابزار مختلف در آموزش مجازی، در تلاش باشند تا به فرزندان خود در شرایط حاضر کمک کنند و با استفاده از راهبردهای یادگیری خود تنظیمی، فرزندان فعال و خودخوان در امر آموزش مجازی داشته باشند.

منابع

حاجی، جمال، محمدی مهر، مژگان، محمدآذر، ۱۴۰۰، حدیقه، بازنمایی مشکلات آموزش در فضای مجازی با استفاده از برنامه شاد در دوره پاندمی کرونا: یک مطالعه پدیدار شناسی، فصلنامه فن آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، سال یازدهم، شماره سوم، صص ۱۵۳-۱۷۴

حسینی، زهرا، ۱۳۹۹، خانه ایی مدرسه تر از مدرسه، مجله خانواده، شماره دوم، دوره دوم، صص ۴-۵

حمزه لو، زهره، رحیمی، سعدا، ۱۳۹۹، بررسی کیفیت آموزش و یادگیری در فضای مجازی شاد از نظر دانش آموزان دوره ابتدایی در نیمسال دوم سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸، مجله پیشرفت های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، دوره سوم، شماره بیست و نهم

عابدی، صمد، سعیدی پور، بهمن، صیف، محمدحسن، فرج الهی، مهران، ۱۳۹۴، مدل علی پیش بینی راهبردهای یادگیری خودتنظیمی دانشجویان پیام نور: نقش باورهای هوشی، خودکارآمدی تحصیلی و اهداف پیشرفت نشریه آموزش و



ارزشیابی، شماره ۳۲، صص ۱۹-۴۰

عباس پور، نورعلی، ۱۳۹۹، آموزش مجازی نگاهی دیگر به پیوند خانه و مدرسه، نشریه پیوند، دوره ۴۲، شماره ۴۷۵
 قمرانی، امیر، جعفری، حمیدرضا، ۱۳۸۳، تبیین نقش رهبردهای یادگیری خودتنظیمی بر عملکرد تحصیلی نابینایان، نشریه تعلیم
 و تربیت استثنایی، شماره ۳۷، صص ۲-۹
 کج باف، محمدباقر، مولوی، حسین، شیرازی، تهرانی، علی رضا، ۱۳۸۲، رابطه باورهای انگیزشی و راهبردهای خودتنظیمی با
 عملکرد تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی، نشریه تازه های علوم شناختی، شماره ۱۷، صص ۲۷-۳۳
 وحدانی، محسن، ۱۳۹۹، باشگاه خانگی نقش عناصر گوناگون در آموزش مجازی تربیت بدنی، مجله رشد آموزش
 ابتدایی، دوره بیست و چهارم، شماره ۵
 یوسفی سعیدآبادی، رضا و صالحی نیا، مهدی و کریم پور، علیرضا، ۱۳۹۷، مقایسه سبک های یادگیری و یادگیری
 خودتنظیم در دانشجویان آموزش مجازی و حضوری، پنجمین کنفرانس ملی پژوهشهای کاربردی در مدیریت و
 حسابداری، تهران

- Abu Ma'ali al-Husseini, Kh. (2020). Psychological and educational consequences of coronary heart disease in students and strategies to deal with it. *Quarterly Journal of Educational Psychology, Allameh Tabatabai University*. 15(56), 153-166.(in Persian).
- Garfin, D. R., Silver, R. C., & Holman, E. A. (2020). The novel coronavirus (COVID-2019) outbreak: Amplification of public health consequences by media exposure. *Health Psychology: Official Journal of the Division of Health Psychology, American Psychological Association*. Advance online publication
- Ghotbi, B., Navaksi, S., Ghobadi, S., Shahsavari, Z., Kahrizi, N. (2020). A review of the new coronavirus. *Journal of Health Research*, 5 (3), 180-187.(in Persian).
- Pintrich, P.R., & DeGroot, E.V. (1990). Motivational and self-regulated learning components of classroom academic performance. *Journal of Educational Psychology*, 82, 33-40.
- Pintrich, P. R. (2000). Multiple goals, multiple pathways: the role of goal orientation in learning and achievement. *Journal of Educational Psychology*, 92, 544-555
- Schunk, D.H., (1991). Self-efficacy & academic motivation. *Educational Psychologist*, 26, 207-31.
- Zimmerman, B. J., & Martinez-Pons, M. (1986). Development of a structured interview for assessing student use of learning strategies. *American Educational Research Journal*, 23, 614-628.